

بررسی اخلاق پزشکی با رویکرد اسلامی

مرتضی خاقانی زاده

حسن ملکی

محمود عباسی

عباس عباسپور

علیرضا پیروزمند

چکیده

اخلاق از دیرباز، جزء لاینفک پزشکی بوده است. اخلاق در حوزه پزشکی از دیدگاه اسلام - با توجه به جایگاه علوم پزشکی که با شرافت وجود و اهمیت حفظ نفس انسانی در ارتباط است - از اهمیت دو چندانی برخوردار است.

هدف: هدف از این مقاله تبیین اصول اخلاق اسلامی و ارائه مصادیق کاربرد این اصول در حرف پزشکی است و تلاش شده است یک چارچوبی برای بیان ویژگی‌های اخلاق پزشکی اسلامی ارائه شود.

مواد و روش: این تحقیق یک مطالعه کتابخانه‌ای است که به مطالعه عمیق متون مرتبط با مبانی و اصول انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی اخلاق اسلامی پرداخته است و بر مبنای اطلاعات حاصله از مبانی و اصول انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی اخلاق پزشکی اسلامی تدوین شده است.

یافته‌ها: نتایج آنچه در این تحقیق به عنوان مبانی اخلاق پزشکی اسلامی شناسایی شده است، شامل مبانی انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی است و توصیفی است از اینکه در اخلاق پزشکی اسلامی، انسان را چگونه توصیف می‌کند و چه ظرفیت‌ها و امکانات وجودی برای او قائل است و چه هدفی را برای انسان تعیین می‌کند که هیچ چیز ارزشمندتر از آن نمی‌توان تصور کرد. در این مطالعه اصول اخلاق اسلامی، در چهار محور ارائه شده است: اصول ارتباط با خدا، اصول ارتباط با خود، اصول ارتباط با جامعه، اصول ارتباط با

جهان آفرینش و طبیعت. این اصول ابعادی دارد که در این مقاله به آنها اشاره خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری: در تحقیقات اخلاق پزشکی باید ضمن بازنگری در نگاه سنتی به مقوله اخلاق پزشکی، در عین حال باید نگاهی عمیق به سابقه تمدن ایرانی اسلامی خود داشته باشیم و می‌بایست با رویکردی جدید و با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی و زیست فناوری در حوزه اخلاق پزشکی، با تکیه بر اصول و مبانی اخلاق اسلامی، زمینه تحول اساسی در این حوزه را فراهم آوریم. در این مقاله بطور مبسوط به این موضوع پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

اخلاق؛ اخلاق اسلامی؛ اخلاق پزشکی؛ اصول اخلاق اسلامی؛ مبانی اخلاق اسلامی.

بررسی اخلاق پزشکی با رویکرد اسلامی

اخلاق از ضروریات زندگی بشر است. انسان‌ها برای زندگی کردن در کنار یکدیگر و تداوم حیات اجتماعی خود، نیاز مبرم به اخلاق دارند و بدون آن رو به انحطاط خواهند گرایید و مهمترین بحران زندگی اجتماعی انسان در دوره‌های مختلف تاریخ بشر، مسأله اخلاق و نحوه سلوک انسان در جامعه با هم نوعان خود بوده است. امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید: «اگر امیدی به بهشت و ثواب و بیمی از دوزخ و عقاب نداشتی باشی، باز شایسته است که در پی کسب مکارم اخلاق باشی؛ چون آنها راهنمای راه نجاتند» (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۹۳). در آیات قرآن کریم، پیامبر (ص) به سبب اخلاق نیکویش ستوده می‌شود و خلق حسنه پیامبر محور اخلاق در تشکیل جامعه اسلامی معرفی می‌شود. از طرف دیگر، اخلاق نیک موجب آموزش گناهان دانسته شده و بهترین اعمال در قیامت حسن خلق معرفی شده است. در مبانی دینی ما به اخلاق بطور عام به عنوان رسالت پیامبران اشاره شده است «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۱۰). و به صورت خاص در قرآن کریم به لزوم اخلاق نظری و عملی تاکید شده است «و لا تقف ما لیس لك به علم» (سوره اسری، آیه ۳۶) یعنی در چیزی که به آن علم ندارید وارد نشوید. و این یکی از مهمترین اصول اخلاق حرفه‌ای است که قبل از انجام هر فعلی باید نسبت به دانستن و فراگیری درست و کامل آن اقدام نمود.

اخلاق پزشکی نوین، در حقیقت یکی از شاخه‌های اخلاق حرفه‌ای است که سعی دارد اخلاقیات را به صورت کاربردی در حیطه عملی پزشکان و کادر پزشکی و نیز در حوزه تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در طب وارد نماید. این روند

شامل فعالیتی تحلیلی است که طی آن افکار، عقاید، تعهدات، رفتار، احساسات، استدلالات و بحث‌های مختلف در حیطه تصمیم‌گیری‌های اخلاق پزشکی به صورت دقیق و انتقادی بررسی می‌شود. تصمیمات اخلاق پزشکی در حیطه عملکرد طبی، بدیهیات و ارزش‌ها، خوب و بد، صحیح و نادرست و باید و نبایدها بحث می‌کند (گیلون، ۱۹۸۵). اخلاق پزشکی موضوعی گسترده است که دارای دو جنبه نظری و عملی است. در بُعد نظری به تبیین مبانی و مفاهیم زیربنایی این علم، توضیح و تشریح فرضیات اخلاقی موجود و ارتباط آن با فرهنگ‌ها، مذاهب و آداب و رسوم جوامع مختلف می‌پردازد و در بعد عملی، با تکیه بر مبانی نظری درباره مسائل، مشکلات و مباحث اخلاقی در حیطه طب و مراقبت‌های بهداشتی بحث می‌کند و چهارچوبی کاربردی برای تصمیم‌گیری در مواقع بحرانی عرضه می‌کند (لاریجانی، ۱۳۸۳).

بیان مسأله و هدف

اخلاق و فرهنگ، به نحو غیرقابل تفکیکی درهم تنیده‌اند. فرهنگ، پیش‌فرض‌های اخلاقی و اخلاق نیز چهارچوب هنجاری رسمی را برای گزینه‌های اخلاقی ما فراهم می‌نمایند. بنابراین هر نظام اخلاقی، در نهایت، ترکیبی از گزاره‌های منطقی و عقلانی است که نسبت هر یک از این‌ها از فرهنگی به فرهنگ دیگر، متفاوت می‌باشد. همچنین در هر فرهنگی، ترکیبی قومی و جهانی از آن فرهنگ وجود دارد که به طور غیرقابل تفکیک به ویژگی خاص جغرافیایی، تاریخی، زبانی و اخلاقی و آنچه بین همه انسان‌ها به عنوان صفات انسانی مشترک‌اند، تنیده است (ساشادینا، ۲۰۰۳). صاحب‌نظران و اساتید اخلاق پزشکی کشور معتقدند که اصول اخلاق پزشکی موجود، مطابق با ویژگی‌های

فرهنگی و مذهبی ما نیست، در تایید این مطلب، ساشادینا (۱۳۸۷) اظهار می‌کند: اخلاق پزشکی که در حال حاضر در دانشگاه‌های کشور تدریس می‌شود، کافی نیست و اکثر کتاب‌های فارسی که در این زمینه منتشر شده‌اند، تقلیدی از اخلاق پزشکی غرب هستند که با فرهنگ و زیربنای فلسفی و ارزشی کشور ما تفاوت دارد. در همین رابطه حسنی (۱۳۸۳) اظهار می‌کند: علیرغم پیشینه‌ای نسبتاً وسیع در حوزه اخلاق که در متون علمی، فلسفی، دینی کشور ما وجود دارد، بنابر دلایلی از بسط و گسترش آن پرهیز شده است. ساشادینا می‌گوید: (۲۰۰۹) پس از سال‌ها تدریس اخلاق زیست پزشکی در جوامع اسلامی، به این نتیجه رسیده‌ام: ترجمه یا الگوبرداری اشتباه از اخلاق زیست پزشکی غرب برای اعمال در مؤسسات پزشکی و مراقبت بهداشتی مسلمانان، بدون بررسی اولیه منابع فرهنگ و معرفت‌شناسی بومی به منظور تدریس و اشاعه اخلاق زیستی در جوامع مسلمان، عقیم می‌ماند. در همین زمینه پورمحمدی (۱۳۸۷) معتقد است که مباحث عمده اخلاق پزشکی که در غرب مطرح است، حول محور اصول و استدلال‌های اخلاقی سکولار شکل گرفته است. به طور مثال می‌توان به تفاوتی که بین برداشتی که از اصول اخلاق پزشکی در غرب و اسلام است اشاره نمود. لاریجانی (۲۰۰۸) به نقل از کامپ بل چهار اصل کلیدی که راهنمای تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در کشورهای غربی است را نام می‌برد: استقلال فردی، عدم زیانباری، سودرسانی، عدالت. ضرغام (۱۳۸۵) در نقد این اصول اظهار می‌کند: هر چند این اصول از دیدگاه اسلام قابل قبول هستند ولی تعاریف آنها در فرهنگ غرب با آنچه ما به آن اعتقاد داریم متفاوت است. به عنوان مثال محدوده اختیار فردی در اسلام با آنچه فلسفه غرب بر مبنای فردگرایی معتقد است تفاوت دارد. همچنین در بحث سود و ضرر در نظام اخلاقی اسلام، صرفاً سود و ضرر دنیوی و مادی مطرح نیست بلکه با توجه به دیدگاه

انسان‌شناسی اسلام در مورد حیات ابدی انسان و زندگی پس از مرگ، منافع معنوی و اخروی افراد به صورت اولی می‌تواند مطرح باشد. عدالت و تعریف و چگونگی تبیین آن و تعریف فرد عادل نیز از دیدگاه اخلاق اسلامی با اخلاق غرب متفاوت است. عدالت از منظر اسلام مبنایی جامع و وسیع دارد. در خصوص اهمیت این مطلب عباسی (۱۳۸۷) می‌نویسد: طبیعی که در حرفه خود با مسأله‌ای اخلاقی روبرو است باید تصمیم بگیرد که برای بیمار چه باید بکند و بهترین کاری که برای بیمار می‌تواند انجام دهد چیست؟ واژه‌هایی مانند خوب، باید و مشتقات آنها در تمام تحلیل‌های فلسفی واژه‌هایی اساسی‌اند و باید معنای آنها در مباحث اخلاق پزشکی لحاظ شوند.

بنابراین ضرورت دارد، مباحث اخلاق پزشکی در چارچوب نظام اعتقادی و ارزشی‌مان ارائه شود. زیرا ما معتقد هستیم نظام اعتقادی و ارزشی اسلام، نظامی جهان‌شمول، فراگیر و جامع می‌باشد. مبنای و اصول اخلاق اسلامی می‌تواند به مانند چتری مباحث اخلاق پزشکی را پوشش دهد و مبنای طراحی برنامه درسی اخلاق پزشکی قرار گیرد. در تایید این مسأله میرباقری (۱۳۷۶) با استناد به فرمایشات امام راحل می‌نویسد: قطعاً می‌پذیریم که میان نظام مادی و اسلام، ترابط و تاثیر وجود دارد اما نمی‌پذیریم که نظام اسلامی مجاز باشد در اندک مجال و کوچک‌ترین عرصه‌ای که بیابد به صورت منفعلانه با دستگاه عظیم اما میان تهی مادیت برخورد کند و در حوزه‌ای - همچون علم - خود را طفیلی و وامدار نظامی ببیند که در سراسر وجودش، حکم «انا ربکم الاعلی» حاکم است. اخلاق پزشکی در این چند سال اخیر در جامعه پزشکی ما جایگاه خود را باز کرده است. اما هنوز چارچوب دقیقی براساس آموزه‌های اسلامی در حوزه اخلاق پزشکی تدوین نشده است. امروزه دانش و عمل پزشکی در غرب و به تبع آن در ایران مبتنی بر مدل

زیست‌شناختی است. البته پزشکی رایج دستاوردهای بسیاری برای بشریت داشته است، با این حال رابطه میان پزشک و بیمار به گونه‌ای است که بیمار تنها یک موجود بیولوژیک فرض می‌شود، و نگاه ماشینی کاملاً غالب است. در این میان اخلاق پزشکی در غرب نیز این رویکرد را مبنای کار خود قرار داده است. اگرچه در سال‌های اخیر انتقاداتی بر این رویکرد وارد شده است. در دنیای پزشکی غرب و البته پزشکی رایج در ایران ابعاد معنوی و روانی انسان نادیده گرفته می‌شود که نتیجه آن در تصمیمات اخلاق پزشکی جلوه می‌کند. در ایران هنوز کار دقیقی در تدوین نظریه‌ای برمبنای بینش اسلامی در اخلاق پزشکی ارائه نشده است. در این مقاله تلاش می‌شود تا نشان داده شود که اخلاق پزشکی براساس آموزه‌های اسلامی باید چه خصوصیتی داشته باشد. بنابراین هدف از این مقاله تبیین اصول اخلاق اسلامی و ارائه مصادیق کاربرد این اصول در حرف پزشکی است و تلاش شده است یک چارچوبی برای بیان ویژگی‌های اخلاق پزشکی اسلامی ارائه شود.

مواد و روش: جهت تبیین اصول اخلاق پزشکی با رویکرد اسلامی از روش مطالعه کتابخانه‌ای (جستجو، مطالعه، بررسی و استفاده از متون و مجلات دیجیتال) استفاده می‌شود. در روش کتابخانه‌ای، حوزه کار محقق کتابخانه و اسناد و مدارک است و با محیط بیرونی کار ندارد. اصلی‌ترین ابزار در این روش کتاب و امثال آن است و محقق باید به منابع به دیده انتقاد و تدبیر بنگرد. محقق نتایج مطالعات خود را در ابزار مناسب شامل فیش، جدول و فرم ثبت، نگهداری و در پایان به طبقه‌بندی و بهره‌برداری از آنها اقدام می‌کند. اطلاعاتی که در این روش مورد استفاده قرار می‌گیرند، عمدتاً شامل اطلاعات و نتایجی است که توسط نویسندگان و پژوهشگران قبلی در حوزه مورد بحث فراهم گردیده‌اند (ساروخانی، ۱۳۸۳). منظور از اصول اخلاقی در این مطالعه، گزاره‌های تجویزی هستند که به عنوان قواعد کلی

قابل اجرا در همه بخش‌های اخلاقی باشند. اصل در اینجا به معنای گزاره‌های بایدی هستند که راهنمای عمل اخلاقی می‌باشند. بدیهی است هر نظام اخلاقی با توجه به دیدگاهی که نسبت به جهان و انسان دارد و نیز با توجه به مبنایی که در معرفت‌شناسی پذیرفته است، اصول، قواعد و هنجارهای اخلاقی خود را بر آن دیدگاه‌ها بنا می‌کند. گرچه در علم نظریه‌پردازی کسانی پیدا شده‌اند که هرگونه پی‌ریزی بایدها بر واقعیت‌ها را غیرمنطقی دانسته و به گسست عوالم هست و بایدها به طور مطلق فتوا داده‌اند. همین افراد هنگام نظریه‌پردازی بیش از هر کس بایدها را بر هست‌های پذیرفته خود استوار کرده‌اند (سربخشی، ۱۳۸۸). با توجه به اینکه هر اصلی در اخلاق پزشکی اسلامی مبتنی بر مبانی اخلاق اسلامی است. بنابراین در این مطالعه پس از تبیین مبانی انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی در اسلام، براساس این مبانی، اصول اخلاق اسلامی معرفی شده‌اند.

یافته‌ها

نتایج آنچه در این تحقیق به عنوان مبانی اخلاق پزشکی اسلامی شناسایی شده است، شامل مبانی انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی است و توصیفی است از اینکه در اخلاق پزشکی اسلامی، انسان را چگونه توصیف می‌کند و چه ظرفیت‌ها و امکانات وجودی برای او قائل است و چه هدفی را برای انسان تعیین می‌کند که هیچ چیز ارزشمندتر از آن نمی‌توان تصور کرد. با توجه به گستردگی مباحث مبانی اخلاق اسلامی در این مقاله، امکان پرداختن به آنها نمی‌باشد و فقط به ارائه اصولی اخلاقی که از این مبانی گردآوری شده است، می‌پردازیم.

در این مطالعه اصول اخلاق اسلامی، در چهار محور ارائه شده است: اصول ارتباط با خدا، اصول ارتباط با خود، اصول ارتباط با جامعه، اصول ارتباط با جهان آفرینش

و طبیعت. این اصول چهارگانه، شاخه‌هایی در اسلام دارد که به آن اشاره خواهد شد. هر چند این اصول در تمام ابعاد زندگی فردی، خانوادگی، اجتماعی و حرفه‌ای حاکم هستند لیکن مصادیق آنها در هر زمینه‌ای از ابعاد فوق متفاوت می‌باشد. در اخلاق پزشکی اسلامی، این اصول روابط گوناگون شاغلین حرف پزشکی را با خدا، خود، جامعه و محیط تنظیم می‌کند و علاوه بر اینکه این اصول، راهنمایی است برای تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در مواجهه با مسائل اخلاق پزشکی، با رعایت بایدها و نبایدها در این روابط، کمالات شایسته انسانی حاصل شده و هدف غایی خلقت یعنی قرب خداوند و آرامش و سعادت ابدی حاصل می‌شود.

- اصول ارتباط با خدا: نخستین و مهمترین این روابط، رابطه انسان با خالق خویش است هر رابطه‌ای دیگر باید متکی به این رابطه باشد. اهمیت ارتباط با خدا از آن جا ناشی می‌شود که این ارتباط قادر است تمام ارتباط‌های دیگر انسان را تحت تاثیر قرار دهد (نصری، ۱۳۸۴). اصول رابطه انسان با خدا شامل اصل عبودیت، اصل تذکر و اصل شکر است.

- اصل عبودیت: در اخلاق پزشکی بدین معنا است که پزشک خود را عبد رب خویش بداند. اثر عبد بودن چنین آشکار می‌شود که در شأن جسمی و غریزی، او را از اتباع شهوات باز می‌دارد و در شأن فکری و عقلی، او را بر آن می‌دارد که علم را عطیه الهی بداند و مایه خشیت از خدا و در شأن اخلاقی و اجتماعی، برتری‌جویی را از او می‌ستاند و در شان اقتصادی او را بر مالک دیدن خدا فرا می‌خواند (باقری، ۱۳۸۸).

- اصل تذکر: انسان را در اتصاف به صفات الهی یاری می‌کند. تاکید این اصل این است که انسان همواره خود را در محضر الله ببیند. واضح است که اگر این احساس در پزشک به وجود آید که همه موجودیت او در تمام احوال در حیطة

علم خداوند و در حضور حق است، راه انحراف از مسیر حق را نمی‌پیماید ریشه همه آثار معنوی اخلاقی و اجتماعی که در عبادت است، در یک چیز است: یاد خدا و غیر او را از یاد بردن و در این صورت است که دل جلا می‌یابد و آماده تجلیات الهی می‌شود (مطهری، ۱۳۸۰).

- اصل شکر: به معنای صرف نعمت‌های خداوند، در آن راهی که برای آن آفریده شده و شکر نعمت‌هایش به این است که آن نعمت‌ها را وسیله معصیت و نافرمانی او قرار نداد. نقطه مقابل شکر، کفران به معنای مخفی کردن و پوشیده نگهداشتن نعمت است. شکرگزاری (شکر منعم) سپاس با قلب و زبان است که به صورت خضوع در مقابل خداوند و رضا و تسلیم در برابر فرمان او و مانند اینها، اظهار می‌شود (تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۱۹۶). در اصل شکر به این نکته تاکید شده است که هر پزشکی، توانایی و تخصصی که جهت درمان بیماران دارد را نعمت خدا بداند و با کمک به بیماران، حلاوت نعمت‌هایی را که به او ارزانی شده بیابد و به شکر باز آید. شکرگزاری عملاً یکی از نتایج رشد فرد و دستیابی به حکمت است (مجتبی، ۱۳۸۸).

- اصول ارتباط با خود: مسئله‌ای به نام خود مبتنی بر مبانی انسان‌شناسی اسلام است و یکی از اموری است که در اسلام برای آن ارزش فوق‌العاده‌ای قائل شده است. «خود» دارای فطریات و ابعاد وجودی گوناگونی است. این خود می‌تواند جانشین خدا بر روی زمین قرار گیرد و اگر سالم بماند جامعه‌ای را احیا خواهد کرد و اگر دچار مسخ شود ملتی را نابود خواهد ساخت. در واقع اصول ارتباط انسان با خود، باید و نبایدهایی است که می‌توانند جلوی گل‌آلود شدن چشمه‌سارهای درون را بگیرد و موجب می‌شود انسان، استعدادهایش را در جهت تکامل و سعادت خویش بکار گیرد و از آلودگی نفس خویش بپرهیزد و برای

اصلاح خود اهتمام ورزد. و هر که این اهتمام را نکند استعدادهای الهی خویش را مدفون کرده است. بنابراین اصول ارتباط انسان با خود به این سوال پاسخ می‌دهد که انسان در برابر خود چه مسئولیت و تعهدی دارد؟ و بر اصلاح رابطه انسان با خودش و پاکسازی قلب از هرگونه ناپاکی و آلودگی، و مدارا کردن با خویشتن و فشار بر خود و امثال آن، تاکید دارد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸). بنابراین اصول ارتباط با خود شامل اصل تقوا، اصل خودشناسی و اصل کرامت است.

- **اصل تقوا:** تقوا، مهمترین بحث در مباحث اخلاقی است. و در تعریف آن گفته‌اند: حفظ کردن نفس است از آنچه بیم ضررش می‌رود. واقعیت اینست که در پیکره اخلاق اسلامی واژه‌ای به جامعیت «تقوی» نداریم. در این واژه‌ها تمام مضامین بلند اخلاقی جمع است، قرآن مجید بر این حقیقت تصریح می‌کند: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ». گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست (حجرات، آیه ۱۳). خلاصه اینکه این اصل تاکید بر کنترل درونی دارد و نیرویی است که پزشکان را از پرتگاه‌های موجود در حرف پزشکی حفظ می‌کند. و موجب می‌شود آنها بر همه حالات، اعمال و افکار خود تسلط کامل داشته باشند. و افکار، کردار و گفتار خویش را با معیار عقل و شرع تنظیم کنند و هیچ کاری را بدون مشورت آن دو انجام ندهند و فرمان آنها را نیز زیر پا نگذارند. البته رسیدن به درجه تقوا سخت و طولانی است و لازمه آن صبر ورزیدن و استواری و صلابت در برابر حوادث و در مرحله بالاتر تسلیم و رضا به خواست خداست.

- **اصل کرامت:** ارج و ارزش انسان و کرامت نفس او، یکی از مفاهیم متعالی در اخلاق اسلامی است و به معنای دوری از پستی و فرومایگی آمده است. منشاء کرامت انسان همان فطرت الهی است. از نظر قرآن کلیه انسان‌ها از یک کرامت ذاتی برخوردارند که در نوع خلقت آنها وجود دارد و موجودات دیگر از آن

بی‌بهره‌اند و انسان باید در شکوفایی آن تلاش کند. براساس این اصل پزشکان باید کرامت خود را حفظ کنند و همچنین از انجام اعمال و رفتارهایی که کرامت آنها را خدشه‌دار می‌کند، بپرهیزند. زیرا (پیام‌دهنده)، (پیام) و (پیام‌آور) یعنی خدا، کتاب آسمانی و پیامبران او همه کریم‌اند و (پیام‌گیرندگان) هم باید کریم و بزرگواری باشند. و پزشکی که اعمال و رفتار او به گونه‌ای نشانگر بی‌توجهی به بیماران و یا تحقیر و توهین به آنان است در واقع کرامت خویش را از دست داده است.

- اصل خودشناسی: یکی از پایه‌های اصلی پرورش فضائل اخلاقی و تکامل معنوی، خودشناسی و معرفة النفس است. خودشناسی همان راهی است که قرآن سفارش کرده «و فی انفسکم افلاتبصرون» در درون وجود شما آیات خداست، آیا نمی‌بینید؟ (ذاریات، آیه ۲۱) یعنی شناخت حقیقت نفس انسان با صفات و ویژگی‌هایش، سبب معرفة الله و شناخت خداست. حدیث معروف «من عرف نفسه عرف ربه» هر کس خود را بشناسد پروردگارش را خواهد شناخت (بحار الانوار، جلد ۹۲، صفحه ۴۵۶)، نیز ناظر به همین است. خودشناسی از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند یکی از مجازات‌های هوسبازان متمرّد را خودفراموشی قرار داده و به مسلمانان هشدار می‌دهد که: «و لاتكونوا كالذین نسوا الله فانساهم انفسهم اولئک هم الفاسقون» همچون کسانی که خدا را فراموش کردند و خداوند به سبب آن، آنها را به خود فراموشی گرفتار ساخت، نباشید و آنها فاسقان و گنهکارانند (حشر، آیه ۱۹). تأکید این اصل در اخلاق پزشکی این است که پزشک گوهرهای گرانبه‌ای را که خداوند در درون او نهاده است را نباید به ثمن و بهای ناچیز بفروشد و به آسانی از دست بدهد. و جاذبه‌های

دنیوی او را به خود فراموشی مبتلا نکند، که در این صورت تصمیمات او در حرفه‌اش نیز جهت کسب بهره بیشتر از دنیا خواهد بود، نه دستیابی به گوهرهای گرانبهایی که خداوند در درون او نهاده است.

- اصول ارتباط با جامعه: زندگی اجتماعی برای انسان‌ها ضرورت دارد و هدف از آفرینش انسان در صورتی تحقق می‌یابد که انسان‌ها زندگی اجتماعی داشته باشند، با یکدیگر همکاری کنند و از همدیگر بهره بگیرند. در اسلام انسان به عنوان موجودی مجزا از دیگران در نظر گرفته نشده است، بلکه او را در رابطه با دیگران مطرح ساخته است، زیرا بسیاری از ابعاد وجودیش تنها در رابطه با جامعه شکل می‌گیرد. بنابراین فعالیت‌های انسان علاوه بر رفتارهای فردی، شامل سلسله ارتباطات او با جامعه نیز می‌شود که با توجه به تنوع ارتباطات، از زوایای مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. اصول رابطه انسان و جامعه در سه محور ارتباط انسان با خانواده، ارتباط انسان با دیگران، و رابطه ملت و حکومت قابل بررسی است. اما در این بخش صرفاً به اصول رابطه انسان با دیگران اشاره می‌کنیم؛ با توجه به اینکه مباحث اخلاقی در ارتباط با دیگران بسیار وسیع و گسترده است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸). لذا در اینجا سه اصل: عدالت، اخوت و تعاون، بعنوان اصولی که سایر مباحث اخلاقی در ارتباط با دیگران را دربر می‌گیرد، بیان می‌کنیم:

اصل عدالت: عدالت موضوعی است که ریشه در عقل و فطرت انسان‌ها دارد و هر جامعه‌ای برای دوام خود به آن نیاز دارد؛ چرا که بدون اجرای عدالت، حقوق افراد ضایع شده، نارضایتی شکل می‌گیرد و هرج و مرج به وجود می‌آید. براساس اصل عدالت انسان باید در برخوردهای اجتماعی و در رفتار با دیگران، به عدالت پایبند باشد، وظیفه خود را نسبت به دیگران به خوبی انجام دهد، با هر فردی رفتاری درخور شأن او داشته، حق دیگران را ادا کند و از کوچک‌ترین توهین،

دل‌آزاری و ستم، دوری جوید. آراسته شدن افراد به این ویژگی‌های برجسته که حاکی از عدالت آنان است، موجب می‌شود که فعالیت‌های اجتماعی با همکاری و همدلی بیشتری انجام پذیرد (مطهری، ۱۳۷۲). به عقیده ملا احمد نراقی اصل عدالت در ارتباط با دیگران اشاره به ادا کردن حقوق و رد امانات، انصاف در معاملات، تعظیم بزرگان، احترام پیران، فریادرسی مظلومان و دستگیری ضعیفان دارد (نراقی، ۱۳۶۱). البته به گفته نراقی، این نوع از عدالت، مقتضای آن است که آدمی به حق خود راضی بوده و ظلم به احدی روا نداشته باشد و به قدر استطاعت و امکان، حقوق برادران دینی خود را به جا آورد. مصادیق عدم رعایت عدالت در ارتباط با دیگران را در حرفه پزشکی را می‌توان در زمینه‌های مختلفی نام برد، مانند تبعیض در ارائه خدمات به بیماران، تامین نیازهای خویش از روش‌های غیراخلاقی و قانونی، سهم‌خواهی، بی‌توجهی به حقوق بیماران.

- اصل برادری و اخوت: یکی از اولین اقدامات رسول خدا (ص) پس از هجرت به مدینه، برقرار ساختن پیمان برادری میان مسلمانان بود که پس از نزول این آیه شریفه بود. (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ) همانا مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادران خویش را اصلاح دهید (حجرات آیه ۱۰). در آیات قرآن مطالب فراوان پیرامون تحکیم پیوند برادری و دوستی‌ها و مسؤولیت‌های مسلمانان در برابر همدیگر وجود دارد و در جهت اصلاح رابطه بین یکدیگر و چگونگی ارتباط صحیح با یکدیگر توصیه‌ها و دستورات اخلاقی وسیع و گسترده‌ای ارائه شده است که در اینجا به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم: در خصوص خوش‌گفتاری با یکدیگر می‌فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» و با مردم (به زبان) خوش سخن بگویید (بقره، ۸۳). و در آیه دیگر تشویق صدق و راستگویی می‌شود: «اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» از خدا بترسید و با راستگویان باشید (توبه، ۱۱۹). و غیبت

کردن را نهی می‌کند: «وَلَا يَعْتَبُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَوْ يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ» و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید (حجرات، ۱۲). و در آیات دیگر مؤمنان را از تمسخر و استهزاء یکدیگر و بکار بردن القاب زشت برحذر می‌دارد: «وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ» و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید (حجرات، ۱۱). و در آیه‌های دیگر انسان‌ها را از گمان بد نسبت به یکدیگر برحذر می‌دارد: «اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است (حجرات، ۱۲). و از عدم پیروی از سخن چینی سفارش شده است: «هَمَّازٍ مَشَاءٍ بَنِيمٍ» کسی که بسیار عیب‌جوست و به سخن چینی آمد و شد می‌کند، پیروی مکن (قلم، ۱۱). تمام این توصیه‌های اخلاقی که بطور وسیع و گسترده در قرآن کریم و کلمات ائمه (ع) ارائه شده است به منظور پیوند دوستی و برادری بین مسلمانان است و در آیه‌های زیادی آنها را از رفتارهای زشت و ناپسند با هم بازداشته است و تاکید شده بر محور قوم، لسان، سمت، نژاد بر یکدیگر تکبر و برتری نورزند. در حرف پزشکی که ارتباط تنگاتنگی با مردم وجود دارد، رعایت این اصل می‌تواند تاثیر بسیار زیادی بر ارتقای کیفیت خدمات بهداشتی و درمانی و رضایت جامعه از کادر پزشکی فراهم کند. چرا که در این صورت نه تنها هرگونه رفتار متکبرانه، تحقیرآمیز از بین می‌رود؛ بلکه به بیمار به عنوان برادر دینی نگریسته می‌شود نه یک مشتری که فقط باید از او سود ببرد.

- اصل تعاون و همکاری: تعاون به عنوان یک اصل اخلاقی - اجتماعی، اساس زندگی جمعی بشر و عامل اصلی در پیشرفت‌ها و پیروزی‌های روزافزون اوست؛

به گونه‌ای که بدون آن، هیچ جامعه‌ای شکل نخواهد گرفت و مسیر ترقی و کمال را طی نخواهد نمود. به همین دلیل، آیین الهی اسلام وجود تعاون را در جامعه ضروری دانسته و مسلمانان را به همکاری هر چه بیشتر فرا خوانده است «... وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» و همواره در راه نیکی و پرهیزکاری با هم تعاون و همکاری داشته باشید و هرگز در راه گناه و تعدی و تجاوز همکاری نکنید و از مخالفت فرمان خدا پرهیزید که مجازات خدا شدید است (مائده، ۵). امیر مؤمنان (ع) ضمن تاکید بر ضرورت تعاون در جامعه، در زمینه نیازمندی افراد به این امر پسندیده می‌فرماید: (مَنْ وَجَّهَ رَغْبَتَهُ إِلَيْكَ، وَجَبَتْ مَعُونَتُهُ عَلَيْكَ). کسی که رغبت خود را متوجه تو ساخت، یاری او بر تو لازم است (شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۳۴۱). اهمیت تعاون و همکاری تا بدانجاست که سهل‌انگاری و بی‌توجهی به آن - چه در انجام امور شخصی و اجتماعی و چه در انجام امور تشکیلاتی و سازمانی - عواقب ناگوار و تلخی را در پی دارد. رسول خدا (ص) در این باره می‌فرماید: «مَنْ أَصْبَحَ وَ لَا يَهْتَمُّ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنَ الْإِسْلَامِ فِي شَيْءٍ وَ مَنْ شَهِدَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ». هر کس چنین شود که به امور مسلمانان همت نگمارد، چیزی از اسلام در او نیست. و کسی که شاهد باشد انسانی فریاد می‌زند و کمک می‌طلبد، اما به او کمک نکند، از مسلمانان نیست (بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۱). بنابراین در حرف پزشکی، ارائه خدمات تخصصی بهداشتی و درمانی یک مسئولیت اخلاقی و اجتماعی است و نمی‌توانند نسبت به نیاز جامعه بی‌تفاوت باشند.

اصول ارتباط با طبیعت: منظور از طبیعت، عالم مادی است که با حواسمان با آن در ارتباط هستیم. در جهان‌بینی الهی طبیعت موجودی هوشمند و دارای حیات و معنی و دارای ملکوت است و قوانینی بر آن حاکم می‌باشد که تخطی از آنها زمینه

مبارزه جهان را با عنصر خاطی فراهم می‌نماید که نتیجه آن یا اصلاح و به راه آمدن و یا هلاک عناصر و عضو خاطی (حتی اگر انسان باشد) خواهد بود. در اخلاق سنتی عموماً ارتباط انسان با دیگر انسان‌ها محور مسائل اخلاقی بوده است. اما اخلاق ارتباط با طبیعت بر برخورد انسان‌ها با عالم غیرانسان و عناصر غیرانسانی می‌پردازد از دیدگاه اسلام رابطه انسان با طبیعت رابطه‌ای مثبت است نه دافع آن. انسان با چشم دشمنی به طبیعت نمی‌نگرد. انسان با جهان انس دارد. انسان با جهان بیگانه نیست که به سرای طبیعت تبعید شده باشد. اصول ارتباط با طبیعت از دیدگاه اسلام را می‌توان تحت دو اصل بررسی کرد: اصل طبیعت بعنوان آیات الهی و اصل بهره‌مندی از طبیعت. مطابق اصل طبیعت بعنوان آیات الهی، طبیعت برای انسان در حکم آیه و نشانه‌ای است که با وجود خود، وجود خدا را نشان می‌دهد. جهان طبیعت که عالم آفاق است مورد توجه قرآن است و خداوند نشانه‌های وجود خود را در آن قرار داده است. تا انسان‌ها با مشاهده آن پی به عظمت جهان‌آفرین ببرند. شناخت طبیعت به عنوان مظهر حق و آیت الهی موجب سیر به سوی کمال مطلق می‌شود. دقت و تفکر در آفرینش هستی و لطایف صنع خدا، انسان را به حقیقت هستی راه می‌نماید. در واقع این اصل تاکید بر این دارد که انسان برای سعادت خود باید به طبیعت بنگرد و در آن تفکر کند. پی به علم و قدرت و حکمت خدا ببرد. همچنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ» مسلماً در آمد و شد شب و روز و آنچه خداوند در آسمان‌ها و زمین آفریده آیات (و نشانه‌هایی) است بر آنها که پرهیزکارند (یونس، ۶). با توجه به ارتباط نزدیک کادر پزشکی با جسم و جان انسان‌ها، که یکی از عجایب و شگفت‌انگیزترین آیات الهی می‌باشد، بستر مناسبی برای تفکر و درک علم و قدرت و حکمت خدا فراهم می‌باشد. با چنین

نگرشی دیگر آنان مقهور پیشرفت‌های نوین در دانش و فناوری پزشکی نمی‌شوند، بلکه آنها را نیز نشانه‌هایی از قدرت بی‌انتهای خدا می‌داند و مطابق با قوانین الهی با آنها برخورد می‌کنند. براساس اصل بهره‌مندی از طبیعت: خداوند جهان طبیعت را خلق کرده تا موجودی به نام انسان که از کمالات والاتری برخوردار است آن را به استخدام خود درآورده، از آن استفاده کند. و نگرش اسلام به طبیعت این است که خداوند برای نفع رساندن به انسان‌ها آن را آفریده است. از جمله آیاتی که در آنها صحبت از مسخر بودن امکانات طبیعی و پدیده‌های جهان برای انسان شده است: «وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ» و همه آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است مسخر شما قرار داد. (جاثیه، ۱۳). از دیدگاه اسلام هر انسانی، اگر چه آزاد است که از طبیعت استفاده کند، ولی هیچ‌گاه نمی‌تواند به طبیعت صدمه بزند و در جهت نابودی آن گام بردارد. انسان مجاز نیست تا منابع طبیعی را تباہ ساخته و هدر دهد، چرا که طبیعت و هر آنچه در آن است از آن خداست. و انسان مجاز نیست از این منابع طبیعی برخلاف جریان فطرت خود استفاده کند، بلکه در اخلاق اسلامی دستورات و توصیه‌های فراوانی در بهره‌برداری از منابع طبیعی برای حفظ حیات و بقای انسان‌ها و در جهت تقرب الهی آمده است و در حرف پزشکی نیز این موضوع صادق است و نمی‌توان به بهانه رشد و پیشرفت علم و تکنولوژی هر نوع دخل و تصرفی را در عالم هستی انجام داد.

نتیجه

با وجود آن که ارزش‌های اخلاقی جهانی، در تمامی فرهنگ‌ها به چشم می‌خورد، لکن شرایط انسانی در فرهنگ‌های سیاسی و اجتماعی خاص، اقتضا می‌کند که اصول و قواعدی متناسب با فرهنگ جوامع مسلمان، داشته باشیم. و از آنجا که اسلام نظریات جامع و گاه متفاوتی با فرهنگ غربی دارد، تعیین چارچوبی مشخص برای تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در طب برای پزشکان مسلمان ضرورت ویژه‌ای می‌یابد. این امر، وظیفه خطیر فلاسفه و اخلاقیون شیعه و فقهای مذهبی به همراه دانشمندان علوم پزشکی است که مباحث و موضوعات مختلف طرح شده را مورد بررسی قرار داده و چارچوبی جامع، قابل قبول و مشترک در جوامع اسلامی طرح‌ریزی نمایند. ساشادینا (۲۰۰۹) در این خصوص اظهار می‌کند: بسیاری از اختلاف‌نظرها در خصوص اخلاق زیست‌پزشکی در غرب، از اختلاف پیرامون این موضوع نشأت می‌گیرد که اصول هنجاری در این حوزه، تا چه اندازه می‌تواند در فرهنگ‌های مختلف عمومیت پیدا کند به نحوی که برخی اعمال خاص، در سطح جهانی به عنوان اعمالی واجب، حرام و یا مجاز تلقی گردند.

در جامعه اسلامی ما پرداخت به مشکلات اخلاقی حرفه پزشکی نیاز جدی به تحلیل مفاهیم اخلاقی و تدوین نظامی براساس آن دارد. کمبود چنین مباحثی در فلسفه اخلاق اسلامی و تدوین ساختار و نظامی براساس آنها، جامعه پزشکی را با سردرگمی‌های بسیاری روبرو ساخته است. پزشکان، با توجه به این که نه فیلسوف‌اند و نه دین‌شناس یا حقوقدان، بلکه به عنوان مدیر مراقبت‌های بهداشتی و درمانگر بالینی با این مسائل روبرو هستند، نیاز به شناخت و آشنایی دقیق با بحث‌های فلسفی و دین‌شناختی مسائل اخلاقی دارند تا تصمیم‌گیری‌های آنها بر مبنای پایه‌های درستی صورت گیرد. اخلاق پزشکی حوزه‌ای است که به مسائل

اخلاقی مربوط به حرفه پزشکی می‌پردازد، و آنها را از دیدگاه فلسفی، حقوقی و الهی بررسی می‌کند. مسائل اخلاقی در طب بی‌نهایت متنوع‌اند و تکامل تکنولوژی جدید پیوسته مسائل جدیدی را می‌آفریند؛ در نتیجه نیازمند بحث مداوم و ایجاد راهکارهای مناسب برای تصمیم‌گیری در مقام عمل هستیم.

بنابراین در تحقیقات اخلاق پزشکی باید ضمن بازنگری در نگاه سنتی به مقوله اخلاق پزشکی، در عین حال باید نگاهی عمیق به سابقه تمدن ایرانی اسلامی خود داشته باشیم و می‌بایست با رویکردی جدید و با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی و زیست‌فناوری در حوزه اخلاق پزشکی، با تکیه بر اصول و مبانی اخلاق اسلامی، زمینه تحول اساسی در این حوزه را فراهم آوریم. در واقع هدف در این مقاله ارائه یک نظریه اخلاق پزشکی اسلامی نبوده است، بلکه با استناد به متون و مقالات اخلاق اسلامی و براساس مبانی انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی اسلام، سعی شده است اصول اخلاق اسلامی را تبیین نموده و مصادیق کاربرد این اصول را در حرف پزشکی بیان کند و یک چارچوبی برای بیان ویژگی‌های اخلاق پزشکی اسلامی ارائه شود.

فهرست منابع

- اصفهانی، محمدمهدی. (۱۳۷۲). *اخلاق حرفه‌ای در خدمات بهداشتی و درمانی*. دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- لاریجانی، باقر. (۱۳۸۳). نگرشی بر اخلاق نوین پزشکی. *فصلنامه پژوهش و حوزه*. ۱۷-۴۷:۱۸-۵۹.
- ساشادینا، عبدالعزیز. (۱۳۸۷). آموزش اخلاق زیستی در برنامه‌های آموزش پزشکی در ایران. چکیده مقالات دومین کنگره بین‌المللی اخلاق پزشکی ایران. تهران: مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی.
- حسینی، محمد. (۱۳۸۳). بررسی دیدگاه ارزش‌شناسی علامه طباطبایی و دلالت‌های آن در تربیت اخلاقی. *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*. سال سی و چهارم. ش ۱۹۹. ۲۰-۲۴.
- پورمحمدی، علی. (۱۳۸۷). مبانی فلسفی اخلاق زیستی. مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.
- ضرغام، محمود. (۱۳۸۵). *اخلاق در پژوهش‌های پزشکی*. انتشارات برای فردا.
- عباسی، محمود. (۱۳۸۷). در جستجوی حکمت، حلقه مفقوده طبابت امروز. *فصلنامه اخلاق پزشکی*. سال دوم، ش ۳. ۴۹-۷۱.
- میرباقری، سید مهدی. (۱۳۷۶). مبانی و راهکارهای اسلامی شدن دانشگاه‌ها: معاونت امور دانشجویی، فرهنگ، مجلس وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۳). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی چاپ هفتم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سربخشی، محمد. (۱۳۸۸). *اخلاق سکولار مفاهیم، مبانی، ادله، نقدها*. چاپ اول. انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- نصری، عبدالله. (۱۳۸۴). *فلسفه خلقت انسان*. چاپ اول: کانون اندیشه جوان.
- دلشاد تهرانی، مصطفی. (۱۳۸۷). *سیری در تربیت اسلامی*. چاپ دهم. تهران: انتشارات دریا.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۸). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. چاپ نوزدهم: انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو. (۱۳۷۷). *مبانی شیوه‌های تربیت اخلاقی*: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۰). *سیری در نهج البلاغه*. انتشارات صدرا.
- آملی، جواد. (۱۳۷۹). *حکمت عملی و نظری در نهج البلاغه*. چاپ سوم. قم: مرکز نشر اسراء.
- مجتبوی، سیدجلال‌الدین. (۱۳۸۸). *علم اخلاق اسلامی*، گزیده کتاب جامع السعادات. چاپ نهم: انتشارات حکمت.

- فیض کاشانی، محسن. (۱۳۸۲). *راه نجات* (ترجمه کتاب منهاج النجات). چاپ نهم. تهران: پیام آزادی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). *عدل الهی*. چاپ هفتم: انتشارات صدرا.
- نراقی، ملا احمد. (۱۳۶۱). *معراج السعاده*. تهران: انتشارات رشیدی.
- Gillon, R. (1985). "Philosophical medical ethics. Rights." *British medical journal* 290(6485): 1890.
- Sachedina A.(2009). *Islamic biomedical ethics: principles and application*: Oxford University Press, USA.
- Larijani, B. and F. Zahedi. (2008). "CONTEMPORARY MEDICAL ETHICS: AN OVERVIEW FROM IRAN." *Developing World Bioethics* 8(3): 192-196.

یادداشت شناسه مؤلف

مرتضی خاقانی زاده؛ دانشجوی دکتری مطالعات برنامه درسی دانشگاه علامه طباطبایی.

نشانی الکترونیکی: khaghanizade@bmsu.ac.ir

حسن ملکی؛ دانشیار، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

محمود عباسی؛ استادیار و رئیس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی.

عباس عباسپور؛ استادیار، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.

علیرضا پیروزمند؛ دکتری حوزوی معارف و علوم انسانی، قائم مقام دفتر فرهنگستان علوم اسلامی.

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۸۸/۹/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۱۱/۵